

از صفحه ۱

پیام هفتا محور سیاسی شمال "حزب وحدت اسلامی افغانستان" به مناسبت شهادت العلی مزاری

حضرت حجت الاسلام والمسلمین استاد عبدالعلی مزاری رهبر محبوب و نستوه شیعیان افغانستان

بسم الله الرحمن الرحيم

من المؤمنین رجال صدقوا ما حادوا والله خلیه، فمنهم من قضی نحبه ومنهم من یتظر، وما بد لواء تبید بلا.

ملت مجاهد و شهید پرور افغانستان!

این بار صفحه ی زرین و پرافتخار تاریخ مبارزات رهایی بخش مردم مسلمان ما، حماسه ی جاوید و ماندگار دیگری را به خود ثبت کرد که نظیر این حماسه را در تاریخ کمتر می توان یافت.

آسمان سرخگون جهاد رهایی بخش و اسلامی ما، اقول ستاره ی تابناک را به نظاره گرفت و موجب درد ورنج میلیون ها انسان و مظلوم کشور ما گردید. دست های پلید و جنایت کار عوامل خارجی از آستین کیف جمعی به نام "طالبان" بدر آمده و جنایتی بس هولناک و حیرت آوری را مرتکب شدند و ملت مجاهد کشورمان را در سوگ و ماتم عظیم فروبردند.

حجت الاسلام والمسلمین، استاد عبدالعلی مزاری و هشت تن از یاران جهادی شان، یکجا به کاروان عظیم شهدای انقلاب اسلامی پیوسته و تعهدشان را که با خدای سبحان بسته بودند، عملی کردند، و دین شان را به کشور و ملت مظلوم ما و آرمانهای شهدای انقلاب اسلامی ادا نمود.

پیشوای راحل شیعیان افغانستان و قهرمان ملی هزاره های کشورما، "مزاری" بزرگ که عمر شریف و پربرکت خویش را در راه نشر معارف اسلامی و تحکیم جهاد علیه اشغالگران خارجی و استبداد و انحصار داخلی سپری نمود، با صلابت، صداقت و اخلاصی که به مرام و آرمان های حق طلبانه ی ملت های محروم و مسلمان کشورش نشان داده و بحیث سمبل افتخارات و آرزوهای آنان تجسم یافته و مردم در وجود "مزاری" عظمت تاریخی و افتخارات جهادی و تحقق آرمانهای ملی خویش را می دیدند. از این جهت بود که عوامل خارجی و انحصارگران داخلی حضور چنین عنصری را در صحنه ی سیاسی و نظامی مملکت به هیچ وجه تحمل نمی توانستند و دسیسه ی خارجی و جنایت پیشگان انحصار طلب داخلی، در ناپودی نهضت مزاری بزرگ متحد شدند. سیاف و مسعود خائن که طی سه سال جنگ رویا روی و برانگیز نتوانستند مزاری را یک گام به عقب نشینی وادارند، اما دسیسه ی خارجی از پشت سر به کمک انحصارگران جنایت پیشه شرافت و با تحمیل جنگ های ناگهانی و وحشتناک و ویران کننده ی چند روزه، موفق شدند که از عقب جبهه ها، بر خلاف تعهدات شان مبنی بر عدم جنگ و ایجاد صلح، وارد مناطق "حزب وحدت اسلامی" شوند و سنگرها را اشغال و از هیچ جنایتی علیه مردم غیر نظامی دریغ نورزند و رهبر سازش ناپذیر شیعیان، "مزاری بزرگ" را دستگیر، و چون اسارت در قلموس "مزاری بزرگ" توأم با توهین و تحقیر مفهوم نداشت، سرانجام، یکجا با همسنگران جهادی شان به رگبار گلوله بسته شده و شهید گردیدند. جای اودرمیان همه ی همسنگران، اعضای شورای مرکزی، هیأت رهبری خالی است.

ملت عظیم الشأن افغانستان!

"مزاری بزرگ" بر سر اهداف بزرگش قربانی شد. اورفت، اماراهش باقی است، مبارزه اش زنده و جاوید است و غطی را که ترسیم کرده بود، روشن است. او برای برقراری حکومت اسلامی، استقلال کشور، آزادی های سیاسی و تحقق عدالت اجتماعی میان همه ی اقوام و ملیت های ساکن کشور مبارزه کرد، و همین آرمان باعث شهادتش گردید.

یکبار دیگر با آرمان او و خون مقدس او و همسنگران، پیمان می بندیم که راهش را تعقیب و ادامه دهیم، و این ضایعه ی اسفناک را به حضرت بقیت الله الاعظم، ملت رشید افغانستان و خانواده ی محترم و راحیان راهش تبریک و تسلیت عرض می دارم.

حاجی محمد محقق

مشول امور سیاسی شمال و رئیس شورای ولایتی

حزب وحدت اسلامی افغانستان

۱۳۷۳/۱۲/۲۲

اجتماعی است، و همو بود که در برابر وحشیگری، قساوت و سفاکی سیاف چنان دلیرانه ایستادگی نمود که حتی مثلث شرارت پیشه ی مسعود، ریانی، سیاف را نیز شکست زده ساخت.

چه صادقانه و حسین و آریه صلحجویی کاذبانه ی "طالبان" شرافت، و چه دلیرانه به قاتل و مجرم و برتری خواه دپروژین، از بلندی ایمان نگرست. آری، او بود و تنها او. دردا! که "طالبان" خائن جانان، با او چنان کردند که یزید با حسین. دردا! که مرهمی را که او از زلال باور راستین خورشیدی اش باران رحمت شده بود، "طالبان" کاذبان منافقان، به زهر تبدیل کردند و زخم های کهن را باز گشودند. دردا و دردا که دست قساوت و وقاحت "طالبان"، تنها امید فردای ما، پدر و رهبر و پیشوای ما، تنها شجاع قبیله ی ما را از ما گرفت و وجدان ملی ما را تا همیشه هاشمندی ساخت.

مزاری، یک ملت بود و عصای عشق و شور، فرزندان رنج و کار و تنها آورده ی آرزوی سدها ی هر چه آزاده و آگاه رزمیده ی ما، خورشید تابناک مزاری از خراسان، "خاستگاه نور" سر برداشت و تا اوج عاشقانه های شهادت به معراج رفت و به جاودانگی پیوست.

بگذارد که غارتگران قاشسم نوپای ریانی - مسعود از ویرانه های "غرب کابل" چنان بگذرند، که لشکریان یزید از خرابه های شهر "شام"، بگذارد که آدمکشان "سیاف سفاک" چنان از یاده ی پیروزی سر مست باشند که سربازان "ابن سعد" در کربلا و بگذارد که مسلیه های کذاب "طالبان" چنان از خود بی خود باشند که شمشیر به دستان "شمر" در جاست داغ عاشورای حسینی، اما، همانگونه که حسین و یاران حماسه آفرینش تا جاودانه ها پیش رفته و به وجدان آزادی و آگاهی بشری مبدل شدند، مزاری و یارانش نیز به عنوان شاگردان همین راه و همین مکتب، تا جاویدانه های عشق بالا رفتند. و خجسته باد این همه والا یی، این همه شکوه اهورایی.

ما، شهادت شکوه آفرینانه و معراج عاشقانه ی استاد، پیشوای و دیر کل "حزب وحدت اسلامی افغانستان" و یاران همزمانش را به همه ی ملت ما، به شورای مرکزی و شورای عالی نظارت، به نمایندگی ها و هواداران "حزب وحدت اسلامی افغانستان"، به همه ی آزادگان و آگاهان، به یاران راستین او، به ویژه به مردم پاکباز، آزاده و آگاه غرب کابل، و به پیشگاه آزادی، عدالت و انسانیت خجسته باد می گوئیم. بادا که راه شکوه آفرین او و یارانش تا جاودانه ها ادامه یابد.

نماینده ی کمی حزب وحدت اسلامی افغانستان در یریتانیا

۱۵/۱۲/۱۹۹۵

بسمه تعالی

الحمد لله رب العالمین و الصلوة علی خیر خلق و تحیاتهم و آلهم

شهادت سلت انبیا است

بارد یگردست جنایت بیگانگان از آستین مزدوران سیاه دل دشمنان وحدت و همبستگی ملی افغانستان بیرون آمد و یکی از فرزندان و پرچمداران صوفرازو راستین وحدت ملی را به شکل بسیار نا جوانمردانه و وقیحانه به شهادت رسانید و ملت مسلمان افغانستان را در غم بزرگ فروبرد. آنانی که با این عمل زشت خوانستند وحدت ملی ما را در هم پشکنند، کور خوانده اند و بدانند که خون پاک دیر کل "حزب وحدت اسلامی افغانستان" استاد شهید، عبدالعلی مزاری و یاران و همزمان رشیدشان بر تفاهم و توافق ملی بر اساس واقعیت های انکارناپذیر اجتماعی خواهد افزود.

مزدوران بیچاره و عصبانی، بیگانه و عقده ای های مجنون بدانند که با این جنایت بزرگ چیزی جز ننگ تاریخی و حرمان برای شان کمایی نکرده اند. مجلس قانعیه ی آن رهبر بزرگ ملی و همزمان شهیدشان، هر یک حجت الاسلام والمسلمین شهید آقای قاضی بهودی، حجت الاسلام والمسلمین آقای اخلاصی غزنوی، ابراهیمی بهودی، حاجی جان محمد، برادر رشید سید علی علوی، سردار ملی شهید ابود غزنوی، و دو تن از سرداران شهید که به دلیل قساوت و خشونت بیش از اندازه و شدت رگبار، قابل تشخیص نیستند. به مناسبت بزرگداشت قاعده ی اخیر، روز شنبه تاریخ ۱۸ برج جاری از ساعت ۵-۱ بعد از ظهر در هامبورگ برگزار می گردد.

گروه های برادران و خواهران عزیز در این مجلس، باعث شادی ارواح پاک آن شهید اوگامی بزرگ در جهت اقتدار وحدت ملی خواهد بود.

نماینده ی کمی حزب وحدت اسلامی افغانستان، در آلمان

بسمه تعالی

اعلامیه ی حزب وحدت اسلامی افغانستان دوراپطه با شهادت استاد مزاری و حوادث استخبارات اخیر

با تأسف و خلاف توقع ما، حوادث غمبار و فاجعه ناکه در غرب کابل پیش آمد. شهادت استاد عبدالعلی مزاری، رهبر حزب وحدت اسلامی، حاکم شدن فاشیسم هاربر مجموع پایتخت کشور، وقوع بزرگترین فاجعه و تراژیدی ملی و انسانی اخیر، بیشتر از هر امر دیگری پیمان شکنی و خیانت آشکار طالبان مربوط می شود که به عنوان متادیان صلح و تأمین امنیت برای مردم کشور مطرح شده بودند. موضع گیری غیر مسئولانه ی طالبان در برابر مردم، حزب وحدت اسلامی و صداقت مندی بی دریغی استاد مزاری، بزرگترین اهانت به باورمندی های قاطبه ی ملت افغانستان در برابر اهداف صلح خواهانه ی ایشان می باشد. استاد عبدالعلی مزاری، تنها رهبر حزب وحدت اسلامی نبود، بلکه شخصیت ملی محبوب برای هر انسان با وجدان جامعه ی افغانی و همه ی ممالک همجوار کشور است. توطئه ی شوم طالبان، ضایعه ی بزرگی را به بار آورد که جبران آن نه تنها برای هزاره ها و شیعه ها، بلکه برای وجدان انسانی فرد فرد ملت افغانستان ناممکن خواهد بود. حوادث بعدی به اثبات خواهد رساند که طالبان، باید بهای سنگینی را برای جبران این ضایعه بپردازند. ما تسلط یافتن فاشیسم هاربر بر سر نوشت مردم خویش در غرب کابل، تنها و تنها معلول سیاست مردم دشمن و خلاف شریعت طالبان دانسته و در سیاه ترین فاجعه ها و جنایت های وارده بر مردم بی دفاع خویش، دست ریاکارانه ی طالبان را قویاً دخیل می دانیم. زیرا اگر کابل با تجربه و درک عمیق از به خون تشنه بودن فاشیسم مسعود سیاف، حملات کینه توزانه ی آنان را در طی قریب سه سال گذشته، با مقاومت و ایستادگی کم نظیری دفع کرده و حسرت حتی یک وجب پیش آمدن را نیز در برابر شوم شان کشته بود. پس از تخلیه ی کابل از وجود نیروهای حزب اسلامی و رسیدن طالبان به دروازه های شهر کابل، مدافعان پر غرور این ساحه از ایستادگی شان در برابر سهمگین ترین تهاجمات هوایی و زمینی فاشیسم، مخصوصاً در آخرین حمله ی سه روزه اش، اسطوره ی مقاومت را جاودانه ساختند. اما هنگامیکه طالبان، این متادیان دروغین صلح، پیشنهاد قطع جنگ و حایل شدن میان طرفین را مطرح کردند، حزب وحدت اسلامی با کمال صداقت مندی و اعتماد به آرمان طالبان، از آنها استقبال کرده و آنها را در بعضی از خطوط مقدم خود جای داد. اما متأسفانه، نظریه تحریکات هومل خارجی و بی خبر بودن طالبان از درد اجتماعی ملت و کشور و به خصوص مردم غرب کابل، آنها را فکین قهرمان حزب وحدت اسلامی را وادار به تحویل دهی اسلحه و تخلیه ی مواضع شان نمودند و به نگرانی حزب وحدت اسلامی در عدم توانایی طالبان در دفاع از مواضع غرب کابل، کوچکترین توجهی نکردند. با آن هم، حزب وحدت اسلامی، با حسن نیت صادقانه ای که نسبت به قطع جنگ و تأمین صلح در کشور داشت، در برابر اصرار طالبان، با انعطاف کامل برخورد نمود و مواضع خود را برای آنها تخلیه کرد، که متأسفانه، طالبان، این مواضع را در اولین لحظات حمله ی فاشیسم رهانوده و مردم غرب کابل را در زیر بمب تشنه به خونان مردم، بدون دفاع و یاور قرار دادند.

با این همه، ساعت دو نیم بعد از ظهر روز شنبه ۱۳۷۳/۱۲/۲۱، استاد شهید، مزاری، آخرین نامه ی خود خطاب به ملا بورجان را در بعه ی محترم الحاج عبدالحسین مقصودی، عضو شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی، با شرح ذیل می فرستاد:

جناب آقای ملا بورجان، السلام علیکم و...

قبلاً به شما گفتم که شما از سنگرهای ما دفاع نمی توانید، حالا هم ما حاضر هستیم که شما سلاح های ثقیل و خفیف ما را در اختیار ما بگذارید که از مردم دفاع کنیم. حاضر هستیم که با همین مردم، ما جبهه ای دفاعی در مقابل شورای نظارت رسانی تشکیل بدهیم. هیأت ما خدمت رسید، مواضع خویش را اعلام دارید که آنها تمام غرب کابل را تصرف می شوند. ملا بورجان پس از دریافت این نامه، خواهان مذاکره ی مستقیم با استاد

مزاری می شود. با زهم استاد مزاری، ساعت ۳:۵ بعد از ظهر با جمعی از اعضای شورای مرکزی، در دو موتور جداگانه به طرف محل مذاکره با ملا بورجان حرکت می کنند که در نزدیکی پل گل باغ اسیر و بعداً به چهار آسیاب منتقل می گردند.

جریانات بعدی برخورد نامردانه و غیر اسلامی طالبان با استاد مزاری را همه ی خبرنگاران خارجی شاهد بوده و انعکاس داده اند. تصمیم بعدی طالبان مبنی بر انتقال استاد مزاری به سوی قندهار و به شهادت رساندن ایشان در مسیر راه، جزا دامه ی توطئه ی خائنه و ضد ملی طالبان، هیچ معنای دیگری ندارد. حالا اینکه استاد مزاری به چه شکلی به شهادت رسیده اند، مسأله ی جد است، اما مسئولیت حفظ سلامتی وجود ایشان، به عنوان بزرگترین رهبر محبوب ملی کشور، و بر جسته ترین شخصیت جامعه ی بشری، بردوش طالبان بوده و آنها باید هیچ تأویل و توجیه ریاکارانه ای از آن فرار نمی توانند. حساب طالبان در ارتکاب این عمل شوم، با ملت افغانستان خواهد بود.

و اما آنچه که پس از تحقق توطئه ی مشترک طالبان - شورای نظارت در غرب کابل پیش آمد، صفحه ی دیگری است که ماهیت فاشیستی نظام ضد انسانی مسعود سیاف و نوکران بی مقدار و بیون آنها را روشن تر از روز، تصویر می کند. غرب کابل اینک با سر نوشت محتوم قرار گرفتن در تحت حاکمیت فاشیسم، دست و گریبان است.

بزرگترین تراژیدی ملی و انسانی کشور، در قالب تجاوز به عزت، شرف، آبرو، ناموس و حیات ساکنان بی دفاع غرب کابل، وقوع می یابد و جالب این است که در همه ی این لحظات، عناصری که با ادعای رهبری، ریاکارانه از مردم شیعه و حقوق آنها دم می زدند، شاهد برجنايت ها و بلکه جاده صاف کنی آنها هستند.

غرب کابل، پس از شهادت رهبر مدافع و مقاوم خود، در برابر همه ی این تجاوزات تشنگان خون، بی پناه مانده و تبض زندگی اش، آخرین تپش های خود را دارد. تصویری که تاریخ از غرب کابل بر می دارد، وجدان خفته ی جامعه ی تحت حاکمیت فاشیسم را برای ابد معذب نگه خواهد داشت.

خون سرخ استاد عبدالعلی مزاری و همراهان او، و مظلومیت کمر شکن مردم غرب کابل، بی نتیجه نخواهد ماند و فاشیسم و مزدوران بی مایه اش نیز روزی به دادگاه خون ملت فرا خوانده خواهند شد.

شهادت و خون استاد مزاری، مسئولیت ما را قویتر از دیروز به رسالت حق خواهی و عدالت خواهی در افغانستان نقش می بندد. رهبر شهید، پیامش را با خون سرخ همیشه جوشانش برای نسل ها و تاریخ آینده ی مبارزات ما به امانت گذاشته است.

مقاومت مردم ما، حضاره ی تاریخ مظلومیت این کشور است. خون رهبر ما، پایه های اجتماعی این مقاومت را چون الگوی ناشکن برای ملت افغانستان، استحکام بخشید. راه مزاری، در بعد یک خط اجتماعی، آزاد ی خواهی و عدالت طلبی، اسطوره ی زمان و نسل آگاه ملت ما خواهد بود. رسالتی که با خون رهبر ما مایه گذاشته شود، جاودانگی صداقت در برابر آرمان ملت ما است و حزب وحدت اسلامی نیز تعهد دارد که خط و آرمان رهبر شهید خود را در تمامی ابعاد و گستره های آن تداوم بخشد.

و اما دست آورد کنونی سیاست طالبان در غرب کابل، به سوی صلح سیاسی پیش می رود که اولین فصل آن را با خون رهبر محبوب ملت ما آبیاری کردند.

حزب وحدت اسلامی افغانستان
۱۳۷۳/۱۲/۲۳

از صفحه ۸

صمیمانه می خواهیم که ما و همه ی اعضای حزب تان را در تعقیب خط سیاسی و اجتماعی و رهبر شهید معاونت کنید دوستان رهبر شهید را بشناسید و دشمنان وی را تشخیص کنید. رهبر شهید، در هر لحظه و هر صحنه معیار جاودان شماست این معیار را فراموش نکنید.

لطف خدا و خون پاک رهبر شهید بزرگترین پشتوانه ی ما خواهد بود

والسلام علیکم و علی جمیع الاحرار

محمد کریم خلیلی

سرپرست موقت حزب وحدت اسلامی افغانستان

۱۳۷۳/۱۲/۲۹ ه. ش.

بسمه تعالی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلٰى رُوْحَتِىْ اَبْنِىْ اَفْغَانِسْتَانِ
وَعَلٰى اَزَادَتِىْ اَفْغَانِسْتَانِ

الموت فى حیاتکم مقهورین والحيات فى موتکم قاهرین
زندگی با ذلت مرگست، و مرگ با افتخار و پیروز ماندان، حیات جاودانه.

علی علیه السلام

رهبر محبوب "حزب وحدت اسلامی افغانستان"، حجت الاسلام و المسلمین جناب استاد عبدالملی مزاری، نمونه‌ای از عزم پلایه بین مستضعفین جهان، الگو و اسطوره‌ی مقاومت تشیع مظلوم افغانستان که همراه با یاران شان تا آخرین نفس و آخرین قطره‌ی خون پا کشان در راه اهداف و آرمانهای پاک حق خواهی ملت‌های محروم افغانستان، مقاومت کردند، به تاسی از رهبر آزادگان جهان، حضرت امام حسین ابن علی علیه السلام، مرگ با عزت و ابر خواری و ذلت ترجیح دادند.

او یاران هم‌رزم شان به حق پیوستند و با خون پاک شان، چهره‌های کثیف دشمنان انسانیت و اسلام راستین را افشاء نمودند. یقیناً، راه پاک مزاری، تا پیروزی اسلام اصیل ادامه می‌یابد و خون پاکشان در عروق تمام ملت ما، مخصوصاً ملت، مظلوم تشیع می‌جوشد و تا یک نفر حق طلب در افغانستان زنده است، مزاری بزرگ نیز زنده است.

ما این ضایعه‌ی بزرگ فقدان شخصیت محبوب ملی را به پیشگاه ملت تشیع افغانستان، کافه‌ی اعضاء و هواداران "حزب وحدت اسلامی افغانستان"، هیئت رئیسه و اعضای شورای عالی نظارت و اعضای محترم شورای مرکزی و شورای محترم نمایندگی خارج از کشور، تبریک و تسلیت می‌گوییم. از شورای محترم عالی نظارت و اعضای محترم شورای مرکزی، مصرانه می‌خواهیم تا هر چه عاجل تر، تشکیل جلسه داده و جانشین دبیر کل "حزب وحدت اسلامی" را انتخاب نمایند و یقین کامل داشته باشند که مادر سنگر حق طلبی پیروزم.

نماینده‌ی حزب وحدت اسلامی افغانستان،
آذریا پچان، باکو
۱۳۷۳/۱۲/۲۳

بسم الله الرحمن الرحيم

اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلٰى رُوْحَتِىْ اَبْنِىْ اَفْغَانِسْتَانِ
وَعَلٰى اَزَادَتِىْ اَفْغَانِسْتَانِ

خواهر، برادر! پدر رفت...

انالله وانا اليه راجعون (قرآن کریم)
ما از خدا ایم و به سوی خدا باز میگردیم

"از خدا خواسته‌ام که خونم در جمع شما مردم بریزد".
رهبر شهید، عبدالملی مزاری

... و اینک، صفحه‌ای تازه از تاریخ، که امروز با خون "رهبر" ورق خورده، میثاق خون به سر رسید و آرمان "آزادی" با خون "رهبر" سرخ شد. ... اینست تاریخ مردمی که به خورش تشنه‌اند و اینست رسالتی که با خون و شهادت، بر پیگری پیروزه زخم زده... و "رهبر"، با خورش مقاومت را به میراث گذاشت و خون در تاریخ را پیام آور مرگ اسارت ساخت. آری، سربازیکه با تن برهنه و شکم گرسنه و تا آخرین مرمی چگونه ایستادن را می‌آفریند، رهبرش آگاهانه چگونه مردن را به میراث می‌گذارد. ... تاریخ ما، تراژیدی سرخ فقر است و خون فقیریختن، مایه‌ی افتخار و شیرازه‌ی پیروزی سیاست و حاکمیت جلادان قرن ما است. در امتداد همین تاریخ مغروران حاکمیت زده، با خون نیست می‌شویم و با خون هستی می‌یابیم. امانت خون، تاریخ نسل فقیر و محروم در افغانستان است.

... و رهبر، مزاری، به مزار خون و حق تبدیل شد، خون و حق را به میعادگاه وصال با خود تبدیل کرد. علمدار ما، جاودانه شد و روح او از بستر خورش پیام "آزادی" و عدالت را در جاودانگی زمان، بر دروازه‌ی هر هزاره و شیعه می‌گوید.

نماینده‌ی حزب وحدت اسلامی افغانستان، پشاور
۱۳۷۳/۱۲/۲۳
۱۹۹۵/۳/۱۳

از صفحه ۷

فردهای از زندگی استاد

مردم ما دفاع کنیم. حاضر هستیم با همین مردم، ماحبیبه‌ی دفاعی در مقابل شورای نظارت - ربانی تشکیل بدهیم. هیئت ما خدمت رسید، مواضع خویش را اعلام دارید که آنها تمام غرب کابل را تصرف می‌شوند.

پس از ارسال این نامه، رهبر شهید نامه‌ی دیگری عنوانی نیروهای مسلح و مردم قداکار غرب کابل نوشت و از آنها خواست که تا آخرین نفس جلو حمله‌ی دشمنان عزت، عظمت و آبروی شان را بگیرند و نگذارند که فاجعه‌ی افشار تکرار شود.

نامه‌ی رهبر، در حادترین و حساس ترین شرایط، فقط در چند مسجد محدود غرب کابل خوانده شد و آنگاه که ملا بورجان، فرمانده سبک سروبی مسئولیت "طالبان"، خواهان مذاکره‌ی مستقیم با استاد مزاری شد، وی حوالی ساعت ۳:۳۰ بعد از ظهر با جمعی از اعضای شورای مرکزی در دودموتر جداگانه به طرف محل مذاکره یا ملا بورجان حرکت کرد که با کمال ناامیدی و نا سلمانی در نزدیکی پل گل باغ اسیر و بعداً به چهار آسیاب منتقل گردید.

برخورد ناجوانمردانه و غیر اسلامی طالبان با رهبر شهید را همه‌ی خبرنگاران خارجی شاهد بوده و انعکاس داده‌اند. این برخورد ها هم کینه و عقده‌ی کور، در برابر آرمان حق، "آزادی" و عدالت را که هنوز پایان نیافته است، بر ملا ساخت تصمیم بعدی "طالبان" مبنی بر انتقال شهید مزاری و یاران هم‌رزمش به سوی قندهار و به شهادت رساندن ایشان در مسیر راه، ادامه‌ی توطئه‌ی خائنه و ضد ملی "طالبان" و گشوده شدن عقده‌ی کورو متعصبانه‌ی

آنان بود.

آری، مزاری، فرزند پرمند ملت و اسطوره‌ی جاودان حماسه و شرف و ایثار، روز یکشنبه ۱۳۷۳/۱۲/۲۲ خورشیدی به رگبار کین "طالبان" بسته شد و هروج ملکوتی خود را به سوی جایگاهی که از آن بود، آغاز کرد؛ اما سوگنامه‌ی قطور ملت داغدار ما، باز هم قطور تر شد. فقدان وجود رهبر شهید، مزاری، تکرار تراژیدی پایان ناپذیر هزاره و هر فرد محروم در کشور ما است.

مزاری، که همچون مردمش، حتی در خاک و وطن خود مهاجر بود و هیچ کسی او را شناخت، اینک به اسطوره‌ی جاودان ملت ما تبدیل شد و خون او در رگ رگ هر انسان با وجدان می‌جوشد.

امروز مزاری از فرد بودن خارج و به یک ملت تبدیل شده است. امروز هر هزاره و هر انسان عدالتخواه این جامعه، یک مزاری است و "طالبان"، که اولین تصویر چهره‌ی کاذب و شیاد خود را با خون رهبر محبوب ملت رنگ زدند، برای جبران این اقدام نامردانه و نابخردانه، بهای سنگینی را خواهند پرداخت. تصور مرگ عدالت و "آزادی" با شهادت رهبر مزاری، خیال باطلی است که فقط در ذهن مرده‌ی "طالبان" و حامیان آن می‌گنجد.

روح مزاری توتم قبیله‌ی محرومان است که همیشه از بستر خون او پرواز می‌کند و دروازه‌ی هر هزاره و هر انسان با وجدان افغانی را می‌کوبد.

و به این ترتیب مزاری، اسطوره‌ی جاودانه می‌گردد. ...

کانون فرهنگی رهبر شهید، عبدالملی مزاری
۱۳۷۳/۱۲/۲۵

پیام برادر و حکمتیار به مناسبت شهادت استاد عبد العلی مزاری، رهبری حزب وحدت اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم
با تأسف خبر یافتیم که محترم استاد عبد العلی مزاری، در یک توطئه ی استعماری به مقام والای شهادت رسید. شهید عبد العلی مزاری مسئولیت ایمانی خود را با کمال شجاعت و شهادت و مردانگی انجام داد. مزاری شهید، یک شخصیت سازنده و صالح در تاریخ افغانستان بود. افغانها باید درس شهادت را از مزاری شهید بیاموزند. و فایده عهد، فاطمت و صداقت از ویژگی های بارز مزاری شهید بود.

قتل نا جوانمردانه ی استاد مزاری، یک جنایت تاریخی بود و این عمل را ما شدیداً محکوم می کنیم که این عمل مخالف روایات اسلامی و سنن افغانی می باشد. در تاریخ افغانستان این قسم واقعه هیچ رخ نداده است که کسی به این بی مروتی و نامردی رقیب خود را به قتل برساند. من در آخرین تماس که با استاد مزاری داشتم، به این نتیجه رسیدم که آنها افراد طالبان را در خطوط اول سنگر، در شرق و در مرکز و در اراکمان مستقر نمودند. وی میخواست با اینها مخلصانه همکاری داشته باشد تا مشترکاً از منطقه دفاع کنند. اگر نیروهای اینها مورد تعرض قرار گیرند، نیروهای حزب وحدت اسلامی با آنها همکاری کنند. ولی متأسفانه طالبان ملی یک توطئه خائنه و نا جوانمردانه ای مزاری را به شهادت رساندند.

دشمنان، منتظر چنین حوادث اند و این را چنین جلوه داده و میگویند که اگر او را نمی کشتند و نگذاشته بودند، میتوانست امتیازات بیشتری را به دست بیاورند. آنها بی که خواهان جنگ در افغانستان اند، تحت عناوین مختلف و تحت نام شیعه و سنی، عمیقاً نفاق را دامن می زنند. من با و در دارم که اینکار را استعمار کرده، نه طالبان. ولی اینها دست های خویش را به دامن طالبان پاک می کنند و فتنه را ایجاد کرده اند به نام طالبان. ممکن نیست کسی که به خداوند معتقد باشد و به آخرت ایمان داشته باشد، به چنین جنایتی متوسل شود. این جنایت استعمار است. اینها که با استفاده از این فرصت ظهور کرده اند به این شکل می خواهند فتنه ایجاد کنند.

همه انگیزی بین حزب اسلامی و حزب وحدت اسلامی در چند سال گذشته، یک انکشاف توطئه ی خیلی بزرگ به نفع کشور و ملت مسلمان افغانستان بوده است و این انکشاف توطئه ی خطرناک دشمن را مبتنی بر تجزیه ی کشور رسد کرده است و فضای برادری در بین پیروان شیعه و سنی ایجاد گردیده و از هم دیگر به کلی مطمئن شدند و در مناطق هم دیگر آزادانه رفت و آمد نمودند و برادر و برادر یک جبهه قرار داشتند. برای دشمنان اسلام تحمل این وضع خیلی سخت و دشوار بود. آنها منتظر بودند تا حالات و شرایط، قسمی به میان آید تا اختلاف بین شیعه و سنی را به میان آورده و دامن زنند. برای اشاعه ی اختلافات بین دو طبقه ی مردم بر اساس مذهب، چورو چپاول اموال و تعرض به نوامیس مردم و قتل و کشتار بی رحمانه، مردم بی گناه در کارته ی چهار، خود واضح کننده ی این حقیقت است که آنها تا چه حد را ایجاد دشمنی و عداوت دامن می زنند. به خاطر اینکه مسئله ی شیعه و سنی را عنوان کرده باشند، این مسایل را بیش از آن تبلیغ می کنند تا تفرقه و احیای انتقام جوئی را در بین مردم اهل تشیع و اهل تسنن به میان آورند. اگر دشمنان اسلام بتوانند از این استفاده کنند، بدون شک عواقبش وخیم است.

امیدوار هستیم که برادران تیز فکرم و هو شیوار و مخلص اهل تشیع، و خاصاً متحدین حزب وحدت اسلامی، متوجه این توطئه خطرناک باشند و اگر در فکر انتقام خواهی اند، باید انتقام را از وابستگان به استعمار که عامل این حادثه اند بگیرند و نگذارند که این حادثه باعث فتنه های دیگری گردد.

عبد العلی مزاری شهید وظیفه ی ایمانی خود را با کمال همت و شجاعت اداء کرد و در زمان اشغال روسها و پس از آن، برای تشکیل یک حکومت اسلامی، با شجاعت و شهادت مبارزه کرد. او یک شخصیت با دایانیت بود و روزیکه برایش مقرر شده بود، داعیه ی اجل را بلیک گفت و ما به فخر فرد را فغان بود و از وی باید درس شهادت آموخت. و فایده عهد و فاطمت، از صفات بارز شخصیت مزاری شهید بود.

شهادت چنین شخصیتی هم باید به نفع اسلام باشد و نباید دشمنان اسلام از این واقعه استفاده کنند. وحدت باید وحدت ملت خود را حفظ کند و به قصد خون خواهی برادر شهید مزاری، عوض برادران هزاره، برادران پشتون باید

برخیزند و این لکه ی ننگ را با یاد از دامن خود پاک نمایند. من گمان نمیکنم با شهادت شخصیت ها در یک تنظیم فکری، نهضت صدمه ببندد و متلاشی شود. اکثراً، شهادت همچو شخصیت ها، روح تازه ای را به ازاکین احزاب اسلامی میدهد. من مطمئنم که بعد از شهادت استاد مزاری شهید، حزب وحدت اسلامی، وحدت فکری و تشکیلاتی خود را حفظ خواهد کرد و نقش فعالش را در قضایای کشور خواهد داشت. اگر چه حزب وحدت اسلامی، یک شخصیت بزرگ و قاطع و با شهادت خود را از دست داده، ولی من امیدوار هستم که برادران حزب وحدت اسلامی بتوانند این خلاء را به زودی پر کنند.

والسلام
گلبدین حکمتیار
امیر حزب اسلامی افغانستان
۱۶ مارچ ۱۹۹۵

بسم الله الرحمن الرحيم اعلامیه ی جبهه ی ملی نجات افغانستان

مقام محترم رهبریت و جبهه ی نجات ملی افغانستان، شهادت استاد مرحوم عبد العلی مزاری، رهبر حزب وحدت اسلامی افغانستان و مجاهد سرسپرده ی راه حق را با تأثر عمیق، یک ضایعه ی غیر قابل تلافی برای مجاهدین و کافه ی ملت مسلمان افغانستان دانسته، از یار گاه ایزد متعال برای مرحومی، جنت فردوس برین و برای بازماندگان شان صیر جمیل و اجر جزیل استدعا می نماید، (والله وانا الیه راجعون).

جبهه ی نجات ملی افغانستان با عرض تسلیت به منسوبین حزب وحدت اسلامی افغانستان و برادران هزاره، قابل یاد دهنی می داند که شهادت نایه هنگام مرحوم استاد عبد العلی مزاری، باید باعث استحکام بیشتر در صفوف مخالفین اداره ی غاصب و غیر قانونی کابل گردد و به دشمنان موقع داده نشود تا به نام مذهب و نژاد و غیره، اعمال شوم شان را به پیش برند.

این عمل ظالمانه ی گروهی به نام طالبان را، جبهه ی ملی نجات افغانستان تقیح نموده و محکوم می کند. غالباً این تعدی و تجاوز از طرف ان اشخاص مستبد و ظالم به نام طالب صورت گرفته که طالبان راه حق و مخلص که اهداف شان اعلاء کلمه الله و استقرار امن در افغانستان است، از این عمل و تجاوز بی غیر باشند. اگر همچو اعمال و تجاوزات تکرار شود باعث تفرقه و دشمنی بین سنی و شیعه و پشتون و غیر پشتون خواهد شد. مادر حالیکه حرکت طالبان را در این راه سویه ای راه یوت باید نمودیم، این عمل اشخاص مستبد و ظالم به نام طالب را، خواه دانسته و غیر دانسته باشد، محکوم می کنیم و از طبقه ی طالبان مخلص و علمای گرام، قلباً خواهش می نماییم که به اشخاص نادان و جاهل و متعصب موقع ندهند که همچو اعمال ناشایسته که سبب نپایان ملت مسلمان افغان گردد، تکرار شود و خواهشمندیم که از هر قدر تجربه و علم و فهم بهره مند باشند به ما موسفیان و علمای متقی و صالح مشوره نموده اجرائات کنند (و شاورهم فی الامر).

طوری که به همگان معلوم گردیده، تجاوزات بی رحمانه و ظالمانه ی افراد شورای نظام و دولت نام نهاد و متحدین شان به سائین کارته سه و کارته چهار و تجاوز بر نوامیس مردم بیچاره و مستمند یه ی کابل و حملات و بمبارد مان بی رحمانه ی شان بر غرب کابل با لای طالب و حزب وحدت اسلامی افغانستان، قابل تلافی نبوده از حضرت منتظم جل شان است دعا میکنیم تا این متجاوزین را به شد بدترین جزا و کفر اعمال شوم شان برسانند.

صفت الله مجددی،
جبهه ی ملی نجات افغانستان
۲۳ حوت ۱۳۷۳

پیام مرجع تقلید شیعیان حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی

(مد ظله العالی)

در رابطه با شهادت مظلومانه ی دبیر کل حزب وحدت اسلامی

و گشتار و تجاوز شورای نظامی و اتحاد سیاف و و خورپ کابلی

بسمه تعالی

انالله وانا الیه راجعون

ملت مسلمان افغانستان، مدت ۱۲ سال با کمونیستها و طواغیت روسی، جهت اقامه ی حکومت اسلامی، جهاد و مبارزه نمودند. در این رابطه صدها هزار شهید و میلیونها مجروح، معلول و آواره تقدیم انقلاب اسلامی نمودند. ولی متأسفانه بعد از فروپاشی نظام الحاد ی مارکسیستها، تشنگان قدرت و طواغیت از خدایی خبر، به نام حکومت اسلامی و اخیراً به نام گروه "طالبان" عیناً همان جنایاتی را مرتکب شدند.

همانطوریکه ارتش متجاوز شوروی و کمونیست های مزدور، مناطق مسکونی را بمباران، اطفال، زنان و پیر مردان بی دفاع را به خاک و خون می کشیدند، امروز با کمال تأسف همان جنایت جنگی را خلف سفاک و خونریز شان، به شکل فجیع تری کرار در طول سه سال جنگ در منطقه ی غرب کابل مرتکب شدند، که آخرین نمونه ای تجاوز وسیع نظامی و بمباران شدید هوایی و زمینی مؤرخه ی ۱۵/۱۲/۷۳ است که تا هنوز ادامه دارد و ده ها خانواده ی مظلوم را در فراق جوانان و عزیزان شان داغدار نموده اند و موجب تخریب و ویرانی صدها واحد مسکونی و تجاری دیگر گردیده اند. در حالی که پیامبر بزرگوار اسلام (ص) در جنگهای با کفار به فرماندهانش توصیه ی می فرمودند، که از کشتن زنان و پیر مردان و غارت اموال، جداً خودداری نمایند، ولی برخلاف سفارش آنحضرت، موشک باران و بمباران های مناطق مسکونی مسلمان غرب کابل و سایر مناطق و کشتن صدها کودک و غیر نظامی و هتک حرمت به نوامیس مسلمین، صدها بر صدها خلاف دستور پیامبر اکرم (ص) و موازین بین المللی می باشد.

اینجناب، اولاً شهادت مظلومانه ی سرباز شهید اسلام، دبیر کل حزب وحدت اسلامی حضرت حجت الاسلام والمسلمین، آقای مزاری و نه تن از همراهانشان و جمع زیادی از مردم غرب کابل را، به دست پلید ترین انسانها، به نام گروه "طالبان" به حضرت بقیه الله الاعظم و شیعیان مظلوم افغانستان، بالاخص برای مردم به خون تشیده ی غرب کابل که در فقدان بهترین عزیزان شان به سوگ و ماتم نشسته اند، تسلیت عرض می نمایم.

ثانیاً، این جنایت گروه "طالبان" و گشتار دسته جمعی سکنه ی بی دفاع و

غارت اموال و تجاوز به عرضی و نوامیس مسلمانان غرب کابل را توسط "شورای نظامی و اتحاد سیاف" به فرمان دولت نام نهاد اسلامی آقای ربانی، شدیداً محکوم می نمایم و از مسلمانان متعهد، روشنفکران دردمند، حوزات علمی و مهاجرین افغانی در سراسر جهان، انتظار دارم که تنفروانزجار خویش را از هر طریق ممکن در قبال این جنایات اخیر و نسل کشی گسترده ی ملت محروم شان اعلام نمایند.

در چنین شرایطی که ملت ما بر سر دوراهی عزت و ذلت ابدی قرار دارد، حمایت مادی و معنوی از مردم مظلوم کابل و سازماندهی مجدد "حزب وحدت اسلامی" را برای حفظ هویت سیاسی جامعه ی تشیع و وظیفه ی شرعی می دانم، زیرا در این مقطع حساس از تاریخ، که سر نوشت جامعه ی ما رقم می خورد، لحظه ی غفلت، یا بی تفاوتی و سکوت، بدتر از همه توجیه تجاوزات و وحشیانه ها کمان کابل و جنایت گروه "طالبان" را هیچ عقل سلیم بیدار نمی پذیرد.

در پایان، یادرد فراوان به مردم شهید پرور غرب کابل و عرض تسلیت به خانواده های شهدای اخیر، به هموطنان عزیز و برادران و خواهران مجاهد و مهاجر توصیه می کنم، همانطوریکه در جهاد اصغر و جنگ با متجاوزین خارجی و داخلی حماسه ها آفریدید، امید وارم از جهاد اکبر (مبارزه ی بانفس اماره)، که خیلی ها در این جبهه ی پر مخاطره لغزیده اند آنی غفلت ننمایید و همیشه کارها را چه در جبهه ی جنگ و چه در غیر آن، با توکل به خدا و توسل به پیامبر اسلام و اهلیت آن حضرت، و به خاطر رضای خداوند متعال آغاز نمایید. اگر با این انگیزه حرکت شود، تمام کارهای انسان رنگ الهی پیدا می کند و سرانجام به نصرت و پیروزی و عزت دارین نائل می آید.

(ضمناً بدین مناسبت مدت یک هفته عزای عمومی اعلام می گردد).

اللهم وفقنا لما تحب وترضی، انک علی کل شئی قدير

قریان علی محقق کابلی
حوزه ی علمی قم، تلفن ۲۳۶۰۲
۷۳/۱۲/۲۲

انجمن فلاح جماعت اسماعیلی مهاجر افغانی در پاکستان

کمیسیون راولپندی

به مقام شورای مرکزی "حزب وحدت اسلامی افغانستان" عمیقترین تأثرات قلبی و تأسفات بی پایان خویش را، به مناسبت واقعه ی المناک شهادت رهبر گرامی و عالیقدر مردم ستم دیده و بیچاره ی هزاره های جهان، محترم مزاری صاحب و آن عده از برادران همرازم شان که ذریعه ی مثنی از خائنین، خوارج و ارتجاع منطقه به شکل خیلی ها ناجوا مردانه در غزنی صورت گرفته، به پیشگاه مطهر و معظم شما تقدیم داشته، به ارواح مقدس و پاک ایشان دعای خیر فرستاده، به بازماندگان شان، خاصاً اعضای محترم شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی افغانستان و نمایندگان آن در شهر پشاور و پاکستان، تسلیت عرض می داریم.

باید علاوه کرد که مردم مهاجر شیعه ی اسماعیلی افغانی در پاکستان، هر نوع پشتیبانی شان را در راه وحدت ملی مردم شرافتمند هزاره ی خویش اعلام داشته و النجاء داریم تا شهادت این رهبر گرامی، اولین و آخرین ضایعه ی جبران ناپذیر در راه به دست آوردن حق و حقوق انسانی این ملت بوده، و به شما اطمینان می دهیم که راه برحق این بزرگ مردان تاریخ را که صفحه ی جدیدی برای بازماندگان شان باز نموده اند، تعقیب نماییم و از هیچ نوع کار و فعالیت و مبارزه در راه به دست آوردن این آرمان پاک دریغ نداشته، دوشادوش شما برادران گرامی از حق و حقوق این ملت بیچاره دفاع نماییم.

با احترام
شیخ سهراب علی سلطانی
رئیس انجمن فلاح و کمیسیون راولپندی

بسم الله الرحمن الرحيم

اعلامیه ی جبهه ی ملی نجات افغانستان

حملات سخت و غیر انسانی هوایی و زمینی مسعود، ربانی و سیاف و دارودسته ی شان، بالای مناطق مسکونی حزب وحدت اسلامی و روحانی که پروسه ی صلح ملل متحد جریان دارد، مقام رهبری و جبهه ی ملی تأسف عمیق و شدید خویش را اظهار می دارد. حملات اخیر، به طور آشکارا نشان می دهد که ربانی و دارودسته اش به هیچ شکلی از قدرت دست بر نمی دارند و همیشه آنها به پروسه ی صلح زبان می رسانند. مسعود، ربانی و سیاف و دارودسته ی شان، در طول سال های جهاد، و بالخصوص در این سال های اخیر، به این نکته پای پی می بردند که با ریختن خون مردم بی دفاع و بی گناه، به هیچ نتیجه ای نمی رسند. اختلافات فعلی، بر اساس زور و استعمال سلاح های مهلک و کشنده، حل نمی شود، حل مشکلات و اختلافات باید از طریق گفتگو و مذاکره صورت بگیرد.

مهر،

جبهه ی نجات ملی افغانستان

زنده نمی‌بودم و فاجعه‌ی افشار را نمی‌دیدیم. اودرسخترانی که به تاریخ هشت نور ۷۲، به مناسبت اعدام خائنین افشار ایراد کرد، گفت که: "فاجعه‌ی افشار تمام باورهای ما را تغییر داد". نفرتی که برای "رهبر" از معامله گران و خائنین افشار ایجاد شده بود، ریشه در عمق فاجعه‌ای داشت که همیشه او را رنج می‌داد. درسخترا نی تجلیل از شهیدای ۲۳ سبلی ۱۳۷۳، استاد مزاری، که آتش نشان قلبش را اندکی باز کرده بود، در حالی که آه آتشین از سینه بیرون می‌داد، گفت که: "قضیه‌ی افشار و فاجعه‌ی دردناک آن، که تا مردم مازنده اند و ناسل‌های آینده‌ی ما باشند، از آن رنج می‌برند و می‌سوزند، به خاطر همین معامله‌گری‌هایی بود که سرخ آن در دست آقای انوری بود. و باید آوری خیانت سید هادی، گفت که: "شما باید بدانید که این فاجعه‌ی تلخ افشار، که بالای شما تحمیل شد و پیش آمد و زجرش را کشیدید، خود به خود نبود، یعنی دفتاً و تصادفی به وجود نیامد، بلکه کسان دیگری بودند که در قضیه از داخل دست داشتند و افزود: "این جناب آقای هادی است که خون بهای هفت صد نفر شهید و مفقود شمارا در افشار و بهای ویرانی و تاراج چهار هزار خانه را، پنج خند می‌گیرد".

رهبر شهید، مزاری، بیشتر از همه‌ی رنجهای زندگی‌اش، از نامردی‌های خیانتکاران و معامله گران بیگانه از مردم، رنج می‌برد و همیشه دلی پر خون داشت. "تشیع درباری" که طبیعتاً و خصلاً چاکر مناب است، همواره او را تحت فشار می‌گذاشت و به بهای خون فرزندان مردم، دست جلاد را بوسه می‌زد. توطئه‌ی ۲۳ سبلی ۱۳۷۳ خطرناکترین توطئه‌ی خائنان‌های فاشیسم مسعود به همدستی "تشیع درباری" بود که با درایت و قاطعیت رهبر شهید و فداکاری مردم آگاه و آزاده‌ی کابل خنثی شد. پس از این توطئه، "تشیع درباری" از درون ملت تصفیه شد و با قرار گرفتن در آغوش با داران خود، ماهیت اصلی ضد مردمی خود را بر ملا ساخت. نامردی‌ها و نامردی‌های "تشیع درباری" به جایی رسید که سید حسین عالمی به عنوان سختگوی دولت نام نهاد و به اشاره‌ی ملث شوم ربانی - مسعود - سیاف، علناً بر علیه مردم ما جبهه گرفت و آنچنان رسوا و ناخوانده‌انه به تبلیغ پرداخت که رهبر شهید خطاب به مردم گفت که: "آدم باید در زندگی خود اینقدر بی‌عرضه و بی‌اراده نباشد. بیکار مردن است و بیکار زنده شدن، دو بار نیست!"

پس از تمامی شکست‌های فاشیسم در تهاجم بر مردم ما، باز هم این "تشیع درباری" بود که آنان را به تهاجم و تسخیر غرب کابل تحریک می‌کرد. پس از تخلیه‌ی کابل از نیروهای "حزب اسلامی"، "تشیع درباری"، تبلیغ ویژه‌ی را بر علیه مردم غرب کابل برنامه‌ی از طریق رادیو شوروی نظار به راه انداخت.

پس از عهده گشایی‌های وحشیانه‌ی فاشیسم کورد را و اخراج دلو، رهبر شهید و مردم قهرمان غرب کابل، مدافعه‌ی حماسی و غرور انگیزی را تا روز شنبه، بیست و یکم حوت انجام داد و از ایستادگی خود در برابر سهمگین ترین تهاجمات هوایی رژیم فاشیسم، خصوصاً در آخرین حمله‌ی سه روزه‌اش، اسطوره‌ی مقاومت را جاودان ساختند.

اما بالاخره هنگامیکه "طالبان"، این منادیان دروغین صلح، پیشنهاد قطع جنگ و حایل شدن میان طرفین را مطرح کردند، "حزب وحدت اسلامی" با کمال صداقت‌مندی و اعتماد به آلمان "طالبان"، از آنها استقبال کرد و آنها را در بعضی از خطوط مقدم خود جای داد. اما متأسفانه، نظریه تحریکات عوامل خارجی و بی‌خبر بودن "طالبان" از دردها اجتماعی ملت و کشور، و به خصوص مردم غرب کابل، آنها را مدافعین "حزب وحدت اسلامی" را وادار به تحویل دهی اسلحه و تخلیه‌ی مواضع شان نمودند و به نگرانی رهبری "حزب وحدت اسلامی" در عدم توانایی "طالبان" در دفاع از مواضع غرب کابل، کوچکترین توجهی نکردند. با آنهم، رهبر شهید، مزاری، با حسن نیت صادقانه‌ای که نسبت به قطع جنگ و تأمین صلح در کشور داشت، در برابر اصرار "طالبان" با انعطاف کامل برخورد نموده و مواضع نیروهای قهرمان خود را برای آنها تخلیه کرد که متأسفانه "طالبان" دون همت، این مواضع را در اولین لحظات حمله‌ی فاشیسم رها نموده و غرب کابل را در زیر سم تشنه‌ی خونان مردم بدون دفاع و پا و قرار دادند. با اینهمه، ساعت دوم بعد از ظهر روز شنبه ۱۳۷۳/۱۲/۲۱، رهبر شهید، مزاری، آخرین نامه‌ی خود، خطاب به ملا بورجان را ذریعہ‌ی محترم الحاج عبدالحسین مقصودی، عضوی شورای مرکزی "حزب وحدت اسلامی"، با شرح ذیل فرستاد:

"جناب آقای ملا بورجان، السلام علیکم و...
تیباً به شما گفتیم که شما از سنگرهای مدافع نمی‌توانید، حالا هم ما حاضر هستیم که شما سلاح‌های ثقیل و خفیف ما را در اختیار ما بگذارید که از

به نام خداوند آگاهی، آزادی و برابری

شهره‌ای از فرهنگ و رهبر شهید، عبدالمعلی مزاری

دبیر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان

زندگی رهبر شهید، عبدالمعلی مزاری، تصویر روشنی از زندگی مردم‌دش در تاریخ پر ادبار کشور ما است. در فقر و محرومیت زاده می‌شود. در آواره‌گی و مهاجرت (حتی در کشور خودش) زندگی می‌کند، در گمنامی و غربت (حتی در میان ملت خود) می‌رزد و در اوج شکوه به شهادت می‌رسد.

تاریخ دقیق تولد رهبر شهید، مزاری، تاکنون مشخص نیست، اما اینقدر معلوم است که در سال ۱۳۲۵ خورشیدی، در یک خانواده‌ی زراعت پیشه‌ی فقیر، در قریه‌ی نانوا بی چهار کنت مزار شریف از ولایت بلخ، متولد شد و تحصیلات ابتدایی‌اش را در رشته‌ی علوم دینی، در مدرسه‌ی قریه‌اش آغاز کرد و بعداً در مزار شریف، حوزه‌ی علمیه‌ی قم و نجف اشرف ادامه داد. اما در تمام این مدت، فقر خود و مردم‌دش را چون تصویر روشنی در برابر خود می‌دید و برای رفع آن، صادقانه و خستگی‌ناپذیر تلاش می‌کرد. مبارزات سیاسی رهبر شهید در ایران، منجر به چندین باز زندانی و شکنجه شدنش از سوی رژیم شاه گردید.

همزمان با تهاجم ارتش سرخ در کشور ما، رهبر شهید به زادگاه خود برگشت و رهبری جهاد مسلحانه‌ی مردم‌دش را به عهده گرفت. حماسه آفرینی‌های رهبر شهید در چهار کنت، شولگر، چمتال و سایر نواحی شمال، افتخار جاودان قیام بر حق ملت ما است. اودر اولین سالهای جهاد، برادر جوانش، محمد سلطان، را در یک نبرد رویاروی با ارتش اشغالگر، و نیز خواهر و جعمی دیگر از اعضای خانواده‌اش را از دست داد. کاکایش، جعفر و پسر کاکایش، محمد افضل، توسط رژیم دست نشانده زندانی و به شهادت رسیدند. همچنین پدرش حاجی خدا داد و برادرش حاجی محمد نبی را در راه انقلاب و آزادی ملتش هلاک کرد.

رهبری شهید از بینا نگذاران مخلص "حزب وحدت اسلامی" و عضو صادق، مدبر، شجاع و ایثارگران بود که در کنگره‌ی اول، ریاست شورای مرکزی و در کنگره‌ی دوم، رهبری "حزب وحدت اسلامی" را عهده دار شد. ابتکار خلاق استاد مزاری، جنبش سمت شمال را پدید آورد که در آن به عنوان همه‌ترین نیروی نظامی کشور در صف مجاهدین قرار گرفت و بالاخره منجر به سقوط دولت کابل شد.

رهبری مقاومت و دفاع مقدس مردم آزاده‌ی مادر شهر خون و قیام کابل، اسطوره‌ی جاودان مبارزه برای همیشه تاریخ است. در این مدت رهبر شهید گام به گام ملت سرافراز خود، از عزت، عظمت و ناموس ملی به دفاع برخاست و با پایداری، قاطعیت، صداقت و تدبیر خود، غول‌های "انحصار طلب" و "تبعیض خواه" را درهم شکست. پیش از بیست و شش جنگ و حشیانه‌ی دشمنان ملت را دفع کرد و در حالیکه اکثریت رهبران، برای حفظ و نجات جان خود، به گوشه‌های امن فرار می‌کردند، وی برای مردم خود تعهد سپرد که: "من هیچ منافع غیر از منافع شما مردم ندارم و هرگز از خدا نخواسته‌ام که بدون شما به جایی بروم تا جان خود را نجات بدهم و شما را در معرکه تنها بگذارم. خواستم خونم اینجاد در کنار شما بریزد و در بین شما کشته شوم... در خارج از کنار شما، زندگی برایم هیچ ارزشی ندارد".

رهبر شهید مؤذن حقوق انسانی و برادری اسلامی همه‌ی مردم کشور بود و تأکید می‌کرد که "حقوق خواستن به معنای برادری ملیتهاست، نه دشمنی ملیتها". او با قاطعیت می‌گفت که: "ما در افغانستان هیچ چیز نداشته‌ایم و هیچ چیز اضافی هم نمی‌خواهیم، ما فقط خواسته‌ایم که غول انحصار را بشکنیم". رهبر شهید در راستای ایجاد وحدت ملی راستین، ابتکار ارزنده‌ی شورای عالی هماهنگی را داشت که در آن، برای اولین بار تجربه‌ی موفق برادری و برابری ملیتهای ساکن در کشور، به آزمون گرفته شد.

رهبر شهید با این ابتکار، فضای سیاه‌پدینی و خصومت نارو میان ملیتهای ساکن در کشور را که ناشی از سیاست شوم حاکمان بی‌خرد افغانستان بود، به فضای سالم اخوت و برادری و همسویی تبدیل کرد. رهبر شهید از جو آلوده و اهانبار حاکم میان ملیتهای کشور سخت رنج می‌برد، چنانچه در پاسخ به سید منصور نادری که پرسید "شما برای مردم تان چی می‌خواهید؟" با صراحت گفت که: "ما برای ملت خود، فقط این را می‌خواهیم که دیگر هزاره‌بودن شان جرم نباشد. فاجعه‌ی خونین افشار، تلخترین حادثه‌ی زندگی رهبر بود و هر باری از آن یاد می‌کرد، اشک در چشمانش حلقه می‌زد و می‌گفت که: "کاش

پیام استاد خلیلی

سرپرست موقت حزب وحدت اسلامی افغانستان
خطاب به ملت

بسم الله الرحمن الرحيم

ولا تعلقوا لمن يغفل في سبيل الله امواتا، بل احياء، ولكن لا تشعروا
(فرانکرم)کشته شده گان در راه خدا مرده پندارید که آتیا زنده اند،
اما شما درک نمی کنید.

ملت آگاه و با شهامت!

مردم سلحشوری که با خون خویش میثاق بسته اید تا حضور خود را در تاریخ
سیاسی و اجتماعی این کشور ثبت نماید!قبل از همه، شهادت پرافتخار مجاهد بزرگ و رهبر عالیقدر
حجت الاسلام والمسلمین استاد عبدالعلی مزاری، یاران همراز و وفادار گارشان و
مردم بی دفاع غرب کابل را به پیشگاه ولی عصر (عج)، امت اسلامی، ملت
رنج دیده ی افغانستان و مخصوصاً عاشقان راه و آرمان ایشان تبریک و تسلیت
عرض می نمایم.تاریخ خوب بار ما - که جز صفحه ی تلخ محرومیت و مظلومیت را تجربه نکرده
است - اینک اما جگالیات انحصار طلبانه ی تازه ای شده است که چیزی که جز
بی اعتقادی و خصومت در برابر آرمان عدالت و همزیستی مسالمت آمیز در
جامعه ی افغانستان نمی باشد آرمانی که در سر خط مبارزه و تلاش رهبری شهید
قرار داشت و سرانجام خویش را نیز به خاطر تحقق آن امانت گذاشت.فقدان وجود استاد شهید مزاری، بدون شک که ضایعه ای بزرگ، المناک و
کیمبرلین، برای همه ی محرومان عدالتخواه کشور است. او برای آزادی،
عدالت و برابری در جامعه ی افغانستان تلاش میکرد و شخصیت، عظمت و
صلابتش، تماماً مرهون ایمان اوبه حق سیاسی و اجتماعی مردمش بود. او
خواستار تأمین صلح پایدار و وحدت ملی راستین، با اشتراک آگاهانه،
آزادانه و مساویانه ی همه ی ملت ها و اقشار، در ساختار سیاسی و اجتماعی کشور
بود. جدیت یا انحصار و تبعیض های ظالمانه، تیلور چاودانه اش را در وجود
رهبر شهید نمایه گذاشته بود. اوبه صداقت، وفا، ایشار و حق شناسی مردمش -
مخصوصاً در شهر سرپند کابل - ایمان داشت و ایمان خود با آنان را همواره با خون
خویش تجدید میکرد. حق و حقوق مردم حتی در حد نرس شرایط، تنها کلمه ای
بود که بر زبان رهبر شهید جاری میشد. بر مبنای حق و حقوق مردم بود که اوسه
سال تمام را در زیر وحشیانه ترین حملات تشنه به خونان ملت، ایستادگی کرد و
سرانجام همه به خاطر حق و حقوق مردم بود که خون سرخشان را هدا نمود.رهبر شهید با درک مظلومیت و محرومیت تاریخی مردم خود، بدون توجه به
نمایندگان سازشی های دشمنان، از مواضع نظامی، سیاسی و حقوقی مردم خود
فاطمانه دفاع کرد و در این راستا، حتی یک گام هم عقب نشینی ننمود. تبلیغات
رسوایی مایه ی دشمنان، برای او رونه جلوه دادن شخصیت، حقانیت و آرمان
رهبر شهید بزرگترین جنایت آنان در حق ملت ما بود. دشمنان ما، در مجموعه ی
بیش از بیست و شش جنگ شان، حتی یک مورد سند و شاهد ارائه نمی توانند که
جنگ و تهاجم را حزب وحدت اسلامی آغاز کرده باشد، ولی در هر طرح صلحی
که از سوی مجامع ملی و بین المللی پیشنهاد شده است، اولین و صادقانه ترین گام
را رهبر شهید تعهد کرده و برداشته است.امروز با شهادت استاد مزاری، بر اثر توطئه ی نامردانه و خائنه ی طالبان
صورت گرفت. بهر حال، فرصت خوبی برای وجدانهای بیدار جامعه ی افغانی و
سایر کشورها مساعد شده است که تاریخ و چهره ی کشور ما را - مخصوصاً در سه
سال اخیر - در دید وسیع تر و روشنی مطالعه و مورد قضاوت قرار دهند. صداقت
استاد مزاری، در برابر راه و آرمانش، با همه ی گفته ها و عملها، موضعگیری ها و
مخصوصاً با شهادت پرافتخار او مشخص میگردد و چهره های دشمنان نیز در مقابل
جبهات و موضعگیری های تازه ی شان نمودار خواهند شد.

مردم آگاه و عدالت خواه!

موضعگیری های سیاسی و اجتماعی رهبر شهید خواست و اراده ی همه ی
مردم پرافتخار ما بود که اینک با خون رهبر شهید، به استراتژی مستحکم حزب
وحدت اسلامی تبدیل شده است و این حزب، معصم است تا راهی را تعقیب
نماید که با خون رهبر شهید، در جبهه ی تازه ای را به روی تاریخ سیاسی و
اجتماعی ملت افغانستان باز کرده است.بنده به عنوان یک از فرزندان شما مردم و متعهد به راه و آرمان استاد شهید
مزاری، ضمن آنکه مسئولیت خطیر سرپرستی موقت حزب وحدت اسلامی را،
مخصوصاً در خلا ناشی از فقدان وجود رهبر شهید، فوق العاده دشواری بینم،
با آنهم با صراحت و تاکید اعلام میدارم که:۱- حق خواهی مردم خود را، به عنوان بزرگترین میراث رهبر شهید، به هیچ
عنوانی در بعد خیانت و سازش بر علیه حق محرومترین انسان های جامعه و ملت
خویش قرار نداده و حق تساوی ملت ها و ختم تبعیض و انحصار و بی عدالتی را
در سر خط جاودان مبارزات آینده ی خود خواهیم داشت.۲- حزب وحدت اسلامی، با آگاهی کامل از توطئه های خائنه ای ضد
منافع ملی کشور، جلوه گر گونه انحراف از خط و آرمان رهبر شهید را - که خط و
آرمان مردم ما نیز هست - خواهد گرفت و تجزیه ی ظالمانه در صفوف مردم خویش
را قاطعانه سد خواهد شد. این حزب، به هیچ وجهی اجازه نخواهد داد، که
رهبریت سیاسی مردم ما، در اختیار گسائی قرار گیرد که کوچکترین تعهدی در برابر
آرمان حق طلبی و عدالت خواهی، رهبر شهید نداشته اند و نخواهند داشت.۳- جنایتهای ضد انسانی مسعود سیاف ربانی در حق مردم قهرمان غرب
کابل و همدستی معامله گران حرفه ای با آنان، ریشه در عمق کینه و عقده ی شان از
مردم ما دارد و رهبر شهید، با درک همین ماهیت تاریخی، سیاسی و اجتماعی
آنان بود که در طول سه سال، موضعگیری قاطع و جدی تا پذیرایی را در برابرشان
انخاذ کرده بود. حزب و مردم، با قتل عام چنداول و افشار، نوطه ی خائنه ی
۲۳ سبیل و تهاجمات بی وقفه ی یک ماه اخیر، مخصوصاً فاجعه ی بزرگ و المناک
غرب کابل را، هرگز فراموش نکرده و هر گونه انعطاف در برابر این دشمنان را خیانت
صریح به خون رهبر شهید و آرمان ملت خود می داند.۴- خیانت، غدو و عهد شکنی طالبان در حق استاد مزاری، و سرانجام شهید
ساختن ایشان در یک توطئه ی نامردانه، بزرگترین جفا در حق ملت افغانستان
است. ما ضمن آنکه این عمل ننگین را شدیداً محکوم می کنیم، خواهان مجازات
سریع عاملان آن می باشیم. با تاکید اعلام می کنیم که حزب وحدت اسلامی،
از تکاب این جنایت را خاص یک دسته ی کوتاه بین متعصب و عقده بی می داند و به
هیچ وجهی آنرا به حساب یک ملت، یا یک مذهب یا یک قشر خاصی از جامعه
نمی گذارد و معتقد است که جنایتکاران، هیچگاهی با ملت خویش حساب
مشترک ندارند.۵- افغانستان خانه ی مشترک همه ی ملت های کشور است. حق خواستن
برای ملت ها، به معنای برادری ملت ها است، نه دشمنی ملت ها. این شعار رهبر
شهید مزاری، بود که همواره بر آن تأکید می ورزید. حق خواهی، هیچگاهی به
معنای تجزیه طلبی نیست. وحدت ملی راستین، با تأمین حقوق سیاسی و اجتماعی
همه ی ملت ها، حفظ تمامیت ارضی کشور و احترام به منافع و مصالح ملی ملت،
آرمان رهبر شهید بود که حزب وحدت اسلامی، گامی السابق بر آن تأکید
می ورزد و هر گونه خدشه ای در آن را خیانت ناپخشیدنی میداند.۶- حزب وحدت اسلامی تنها و تنها تکیه گاه اصولی و مطمئن خود را در میان
مردم جستجو میکند مشی مستقل ملی و مردمی حزب وحدت اسلامی، همچنان
پشتاد عمل آن را تشکیل خواهد داد. حزب وحدت اسلامی، به هیچ کشور
خارجی اجازه نخواهد داد که در امور داخلی کشور ما مداخله نماید. این حزب
همچنان از مردم آگاه و قدار خویش انتظار دارد که با کمک های مادی و معنوی
خود، پویایی حیات و استقلال آن را تضمین نمایند.

پدران، مادران! خواهران، برادران!

بنده در اخیر، لازم می دانم که یکبار دیگر، شهادت رهبر عالی قدر، مزاری
بزرگ را به همه ی شما تبریک و تسلیت عرض نمایم. رهبر شهید از میان ما رفت،
اما آرمان او جاودانه است. با جاودانگی آرمان رهبر شهید، او هرگز نمی میرد.
همه ی ما یکویشیم که رهبر شهید را برای همیشه در جثمان خود داشته باشیم. از
دید او نگاه کنیم، با قلب او عشق به ورزیم، با ایمان او زندگی کنیم و با صداقت او
به ورزیم.یکبار یک رهبر شهید، اکنون بر روی مرجع انسانی شما حرکت می کند، اما راه
و آرمان او اینک به راه و آرمان همه ی ملت و همه ی آزادگان تبدیل شده است.
من، ضمن آنکه به خون و آرمان رهبر شهید تعهد مجدد می بندم، از شما نیز